

بررسی نقش عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی

در گرایش به بزه نوجوانان

امید عیسی نژاد^۱

محمد ستوده زاده^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۰

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳

چکیده

بزهکاری به عنوان پدیده پیچیده اجتماعی، که گستردگی زیادی در میان جوامع مختلف دارد با آسیبهای زیادی در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی همراه است. شناخت عواملی که زمینه گرایش نوجوانان را به سمت بزهکاری فراهم می‌کند، نقش مهمی در تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی با هدف کاهش گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری دارد. بنابراین پژوهش با هدف بررسی نقش عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی در گرایش به بزه نوجوانان انجام شد. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان تمام دبیرستانهای دولتی (پسرانه) شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، ۴۲۶ نفر در این پژوهش شرکت کردند. داده‌های پژوهش به کمک پرسشنامه‌های هوش اخلاقی (MCI)، عملکرد خانوادگی (FAD) و نگرش به بزهکاری جمع‌آوری شد. داده‌ها با نرم افزار SPSS و روش رگرسیون سلسله مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که بین تمام مؤلفه‌های نقص عملکرد خانواده با گرایش به بزهکاری نوجوانان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر رابطه منفی بین تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی با گرایش به بزهکاری نوجوانان بود ($P < 0/05$). نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد خانوادگی و هوش اخلاقی افراد می‌تواند پیش‌بین خوبی برای گرایش به بزهکاری در آنها باشد؛ لذا این نتایج می‌تواند در کمک به تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی در زمینه گرایش به بزه نوجوانان مورد استفاده قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: عملکردهای خانوادگی، هوش اخلاقی، گرایش به بزهکاری نوجوانان.

۱ - نویسنده مسئول: استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان

o.isanejad@uok.ac.ir

۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، انجمن علمی مشاوره دانشگاه کردستان

mohammadsotudezade@yahoo.com

مقدمه

بزهکاری^۱ پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در جوامع مختلف به شکلهای متفاوتی دیده می‌شود (النصیر و الفلیج^۲، ۲۰۱۶) و مشکلی عمده در بسیاری از جوامع است که با آسیبهای زیادی در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی همراه است (چنگ و چنگ^۳، ۲۰۱۵). تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه‌ای با قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود (سahمی^۴، ۲۰۱۳)؛ ولی به‌طور کلی بزه نوعی رفتار است که در قانون برای آن مجازات و تنبیه در نظر گرفته شده است. بزهکاری رفتارهای مخاطره‌آمیزی است که می‌تواند در حال و آینده، سبب بروز مشکلات و بیماریهای جسمی و روانی و آسیبهای اجتماعی در افراد شود (پریور کوالسکی^۵، ۲۰۱۳؛ ساهمی، ۲۰۱۳؛ پانیچ^۶، ۲۰۱۳). پراکاش هاورپیس^۷ (۲۰۱۳) بر این باور هستند که دو اصطلاح مجرم و بزهکار باید از یکدیگر تمیز داده شود. مجرم و بزهکار هر دو به معنای کسی است که قوانین حقیقی و حقوقی جامعه را زیر پا می‌گذارد و تفاوت آنها فقط در بعد سنی است و به فرد بالای ۱۸ سالی که قوانین را زیر پا می‌گذارد، مجرم، و به فرد زیر هجده سال بزهکار گفته می‌شود؛ هم‌چنین از دیدگاه روانشناسی بزهکاری، نقص و کمبود در سوپرایگو تعریف می‌شود و بزهکار کسی شناخته می‌شود که بعد اخلاقی و اجتماعی وی با مشکل روبه‌رو است (شارما^۸، ۲۰۱۲).

نوجوانی، حدفاصل بزرگسالی و کودکی است که با تغییرات و تحولات جسمی، روانی و اجتماعی همراه است؛ تغییراتی که، فرد نوجوان را نسبت به دیگر دوره‌های سنی در جهت حرکت به سمت بزهکاری و رفتارهای مخرب مستعدتر می‌کند (کنول، و زیگموند^۹، ۲۰۱۲). امروزه بزهکاری یکی از مهمترین چالشهای بهداشتی، روانی و اجتماعی در بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران است که به ایجاد انواع بسیاری از مشکلات و هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منجر شده است و به‌رغم تلاشهای بسیاری که در دو دهه گذشته در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به آسیب و خطر بزهکاری صورت گرفته، همچنان در حال گسترش است (صاحب‌دل، و اسدی ۱۳۹۳). براساس گزارش وزارت روسیه از ۱۸۵ هزار مجرم زندانی حدود ۱۹ هزار نفر آنها

-
- 1 - Delinquency
 - 2 - Alnasir, F. A., & Alfalij, A. A.
 - 3 - Cheng, P. O., & Cheng, H. K.
 - 4 - Sahmay, K.
 - 5 - Pryor-Kowalski, M.
 - 6 - Panich, W.
 - 7 - Prakashhaveripeth, D.
 - 8 - Sharma, A.
 - 9 - Knoll, C., & Sickmund, M.

بزهکاران زیر هجده سال بودند (آلبوکوردی، محمدنظری، نوری، و خدادادی‌سنگده ۲۰۱۲). چنگ و چنگک (۲۰۱۵) بیان کردند که حدود ۴۸ درصد از جرم و جنایتها در هنگ کنگ در سال ۲۰۱۳ توسط نوجوانان زیر ۱۸ سال انجام شده است. در ایران نیز براساس پژوهشی که صراف (۱۳۹۱) در مورد ۵۴۲۵ بزهکار انجام داد به این نتیجه رسید که ۹۰ درصد بزهکاران بین ۱۶ تا ۲۹ سال هستند؛ ۷۹ درصد از بزهکاران به مصرف مواد روانگردان گرایش دارند؛ سن بزهکاری از ۱۷ سال در سال ۱۳۵۶ به ۱۴ سال در سال ۱۳۹۱ کاهش پیدا کرده است؛ ۹۴ درصد از بزهکاران مردان و فقط ۶ درصد از آنها را زنان تشکیل می‌دهد و بیشترین میزان بزهکاری نوجوانان در شهرهای تهران و مشهد و کمترین میزان در گیلان و زنجان است.

عوامل مختلفی بر بزهکاری نوجوانان و گرایش آنها به سمت رفتارهای خلاف قانون تأثیر می‌گذارد؛ از جمله ویژگیهای شخصیتی نوجوان، وضعیت اقتصادی، وضعیت فرهنگی، محیط زندگی، اختلالات ژنتیکی و رابطه والد - فرزند و خانواده که مهمترین آنها خانواده است. در واقع محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آنجا رشد می‌کند و ساختار شخصیتی خویش را شکل می‌دهد و نقش بسیار تأثیرگذاری در آماده کردن کودک برای ورود به دوره نوجوانی و بزرگسالی دارد (پراکاش‌هاورپیس، ۲۰۱۳) و هرگونه نارسایی در سامانه تربیتی و عملکردی آن، تأثیرات نامطلوبی بر فرزندان برجای می‌گذارد. یکی از این تأثیرات نامطلوب، گسترش و افزایش بزهکاری و رفتارهای مغایر با هنجار در میان فرزندان است (پارک^۱، ۲۰۱۳). در واقع تحقیقات نشان می‌دهد که مشکلات دوران کودکی بویژه کمبودهای سامانه تربیتی، علت اصلی شکل‌گیری مشکلات روانشناختی، ضعف در روابط بین‌فردی، سلامت روانی کم و بزهکاری در نوجوانان است (چنگک و چنگک، ۲۰۱۵). در پژوهش گسترده‌ای که در مورد تعداد زیادی از بزهکاران انجام گرفت، مهمترین عوامل گرایش به بزهکاری آنها مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت و مشخص شد که به‌طور میانگین ۸۰ درصد این نوجوانان ساختار شکننده خانواده، فقر خانوادگی و وجود اعضای مجرم و بزهکار در خانواده را اصلی‌ترین علت گرایش خود به بزهکاری مطرح کردند و عوامل دیگر نظیر برنامه‌های تلویزیونی، محیط بیرون از خانواده و ساختار شخصیتی نیز از جمله علت‌های بزهکاری شناخته شد (فرینگتون^۲، ۲۰۱۰). خانواده بویژه شیوه نظارت و ارتباط والدین با کودکان در سالهای اولیه زندگی نقش بسیار تأثیرگذاری در سلامت افراد در دوره نوجوانی و

گرایش آنها به سمت بزهکاری دارد (پانیچ، ۲۰۱۳). اسپون و کورتس^۱ (۲۰۱۱) نیز در پژوهشهای گسترده‌ای که در مورد تأثیر ساختار و پویایی خانواده بر بزهکاری نوجوانان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که اگرچه نتایج تحقیقات در مورد تأثیر خانواده بر بزهکاری نوجوانان تا حد زیادی گوناگون و متفاوت است به طور کلی سامانه‌های تربیتی که با تنبیه شدید همراه و فاقد هرگونه نظارت والدینی است و ارضای نیازها در آن محدود است، یکی از علت‌های اصلی شکل‌گیری بدرفتاری و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان است. شارما (۲۰۱۲) بیان می‌کند که خانواده اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی است که بیشترین تأثیر را بر ابعاد شخصیتی و وجودی کودک می‌گذارد و خانواده‌هایی که رابطه طردکننده، همراه با تعارض، فوق‌العاده کنترل‌کننده با کودکانشان دارند و دارای اعضای بزهکار و مجرم هستند، نسبت به دیگر خانواده‌ها احتمال بیشتری دارد که فرزندان‌شان به سمت بزهکاری گرایش پیدا کنند. گونزیکلی و کوبان^۲ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند خانواده به عنوان اولین نهادی که فرد در آن قرار می‌گیرد و جریان رشدی خود را طی می‌کند، بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای کودکان بویژه از طریق جریان الگوگیری دارد و خانواده‌هایی که سامانه تربیتی سالمی ندارند و همراه با کمبودهایی نظیر فقر اقتصادی، کنترل بیش از حد و نبود والدین هستند، گرایش فرزندان‌شان در سطح بسیار زیادی قرار دارد. پراکاش‌هاوریپس (۲۰۱۳)، براین باور است که ساختار و پویایی خانواده، مهمترین عامل تأثیرگذار بر رفتار و شخصیت فرزندان است و بی‌توجهی نسبت به نیازهای کودکان در محیط خانواده و عدم حمایت والدین از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر گرایش کودکان به بزهکاری در دوران نوجوانی است. درصد بسیار زیادی از خانواده‌های بزهکاران فاقد پویایی کافی هستند و ساختاری شکننده دارند. ساهمی (۲۰۱۳)، شارما (۲۰۱۲)، استولز، وان‌لوندن، دکوویک، پرینزی، کاسترو و لوچمن^۳ (۲۰۱۳)، آهرن و سیچانوسکی^۴ (۲۰۱۲)، پوسنکا^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشهای خویش بخوبی تأثیر عملکرد خانواده را بر گرایش کودک و نوجوان به سمت بزهکاری و رفتارهای مجرمانه نشان دادند و از عوامل مختلفی نظیر فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، تک‌والدی بودن، عدم حمایت والدینی، سرکوب کردن بیش از حد احساسات، طلاق، تعارضات والدینی و ناسازگاری والدینی، بی‌توجهی به ابعاد تربیتی کودک، کودک‌آزاری، غفلت از نیازهای عاطفی

1 - Sphone, R., & Kurtz, D. L.

2 - Gunezicle, T., & Coban, S.

3 - Stoltz, S., Van londen, M., Dekovic, M., Prinzie, P., De castro, B.O., & Lochman, J. E.

4 - Ahrens, K.R.; Ciechanowski, P.

5 - Posnka, S.

کودک، استبداد و خشونت، کنترل بیش از حد، پرخاشگری والدینی، روشهای انضباطی سختگیرانه یا بیش از حد آسانگیر، روشهای تربیتی همراه با تنبیه بدنی، تمسخر و تحقیر فرزندان، تبعیض بین فرزندان، اختلاف سنی زیاد با فرزندان به عنوان عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری یاد، و بیان کردند خانواده‌هایی که این نوع از مشکلات ساختاری و تربیتی دارند، فرزندانشان نسبت به دیگر خانواده‌ها بیشترین گرایش را به بزهکاری و رفتارهای مجرمانه دارند.

عامل دیگری که در بزهکاری نوجوانان و میزان گرایش به آن تأثیر دارد، هوش اخلاقی^۱ است (خالقی و چناری، ۱۳۹۳). هوش اخلاقی، توانایی تشخیص درست از نادرست، و به معنای داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن برطبق آنها است به گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد (چنگک، و چنگک، ۲۰۱۵) و دارای برخی ویژگیهای مهم نظیر توانایی تشخیص درد و رنج دیگران و مهارت بی‌رحمی خود، کنترل وسوسه و غرایز ویران‌کننده خود، گوش دادن محترمانه و عدم قضاوت براساس پیشداوریها، پذیرش تفاوت‌های انسانی و داشتن نگرش انسانگرایانه، خودداری از رفتار غیر اخلاقی، توانایی درک دیگران و همدلی با آنها، عدم پذیرش بی‌عدالتی برای خود و دیگران است که زمینه شکل‌گیری انسان سالم را از لحاظ فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد (بوربا^۲، ۱۳۹۴: ۱۸). هوش اخلاقی نقطه عطف تمام هوشها و به عنوان هوش حیاتی برای انسان در نظر گرفته می‌شود. این توانایی به این واقعیت اشاره دارد که انسان به صورت ذاتی اخلاقی یا غیر اخلاقی متولد نمی‌شود، بلکه یاد می‌گیرد که چگونه خوب باشد و این یادگیری ابعاد مختلف ارتباطی، بازخوردی، جامعه‌پذیری و آموزشی را در بر می‌گیرد که هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود. به اعتقاد بوربا (۱۳۹۴: ۲۶) هوش اخلاقی هفت اصل ضروری را در بر می‌گیرد که به کودکان کمک می‌کند هنگام برخورد با فشارها و چالشهای اخلاقی گریز ناپذیر زندگی، معقول و اخلاقی برخورد کنند. این اصول عبارت است از: همدلی (احساس و درک علائق و نگرانیهای دیگران)، وجدان (شناخت رفتار درست و شایسته و عمل بر مبنای آن)، خویش‌داری (اندیشیدن قبل از هر اقدام و انتخاب معقول)، احترام (مؤدبانه و همراه با توجه با دیگران رفتار کردن و نشان دادن ارزش و احترام به آنها)، مهربانی (علاقه به خوشبختی و آرامش دیگران)، بردباری (احترام به شأن و حقوق افراد، حتی افراد متفاوت از لحاظ ارزشی)، انصاف (برخورد درست، عادلانه و بدون تعصب با دیگران). برخی دیگر از صاحب‌نظران، هوش اخلاقی را سازه‌ای می‌دانند

که دربرگیرنده چهار اصل اساسی درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی است (خالقی، و مهین‌چناری ۱۳۹۴). بوربا (۱۳۹۴: ۳۱) بیان می‌کند که عوامل مختلفی بر رشد هوش اخلاقی و ایجاد خلل در آن تأثیر دارد که مهمترین آنها عبارت است از: سامانه تربیتی خانواده، رسانه‌های ملی و برنامه‌های آن، محیط اجتماعی و روابط دوستی.

پژوهشگران و اندیشمندان زیادی تأثیر هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن را در پرورش علاقه اجتماعی و کاهش میزان بزهکاری کودکان نشان می‌دهند. چنگ^۱ (۲۰۱۴) در پژوهش خویش نشان داد که هوش اخلاقی و هویت اخلاقی از مهمترین و اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری است و نوجوانانی که به میزان کافی از رشد هوش اخلاقی برخوردار هستند، گرایش کمتری نسبت به بزهکاری دارند. چنگ و چنگ^۲ (۲۰۱۵) در پژوهش دیگری تأثیر عزت نفس، میزان رشد اخلاقی و عملکرد والدین را بر بزهکاری نوجوانان و جوانان بخوبی نشان دادند. در واقع آنها نشان دادند که درصد زیادی از بزهکاران، سامانه تربیتی ضعیفی در محیط خانواده بویژه در سالهای اولیه زندگی دارند؛ محیطی که پرورش هوش اخلاقی را چندان مدنظر قرار نمی‌دهد و با سبکهای تربیتی زیانبار نظیر سبکهای تربیتی بی‌توجه و آزاردهنده همراه است و همین امر به افزایش گرایش و سطح بزهکاری در میان این کودکان و نوجوانان منجر می‌شود؛ ولی خانواده‌هایی که سامانه تربیتی درستی دارند و پرورش هوش اخلاقی و رشد کودک در این زمینه را یکی از اصول تربیتی خود قرار می‌دهند، میزان گرایش فرزندانشان به سمت بزهکاری در سطح بسیار پایینی قرار دارد. هاردی^۳، والکر^۴، اولسن^۴، وودبوری و هیچمن^۵ (۲۰۱۴) در پژوهش خویش نشان دادند بخش اعظمی از نوجوانان بزهکار، ساختار اخلاقی مناسبی ندارند و به دلیل بی‌توجهی افراطی از همان سالهای آغازین زندگی به جنبه‌های اخلاقی شخصیت، این بعد وجودی در آنها رشد کافی نمی‌کند و به عبارتی سطح هوش اخلاقی در آنها در سطح پایینی می‌ماند؛ عاملی که گرایش به بزهکاری را در این افراد تا حد زیادی افزایش می‌دهد.

مطالب و پژوهشهای پیشین بخوبی ضرورت بررسی بحران بزهکاری را در میان نوجوانان و تلاش برای شناسایی علل و عوامل تأثیرگذار به‌منظور تدوین برنامه‌های مختلف برای کاهش گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری نشان می‌دهد و لذا در این پژوهش بر این هستیم که تأثیر عملکردهای

1 - Cheng, C.H.K.

2 - Hardy, S. A.

3 - Walker, L. J.

4 - Olsen, J. A.

5 - Woodbury, R. D., & Hickman, J. R.

خانوادگی و هوش اخلاقی را بر گرایش به بزهکاری نوجوانان، مورد بررسی قرار بدیم.

روش

پژوهش، توصیفی، و از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموزان ۱۵ تا ۱۸ سال دبیرستانهای دولتی نواحی پنجگانه (پسرانه) شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۵ بود؛ به این ترتیب که در مرحله اول از بین پنج ناحیه، دو ناحیه سه و پنج به دلیل همراهی بیشتر انتخاب شد؛ سپس از این دو ناحیه هشت دبیرستان و در هر دبیرستان از بین پایه‌های اول تا چهارم دو کلاس به عنوان نمونه انتخاب گردید که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، پرسشنامه‌ها بین هر چهار پایه تحصیلی پخش شد که مجموع آنها به ۵۰۰ نفر می‌رسید و از این تعداد، ۴۲۶ پرسشنامه صحیح و ۷۴ پرسشنامه غیر قابل صحیح بود که از پژوهش خارج شد. ابزارهای پژوهش شامل موارد زیر است:

پرسشنامه عملکرد خانواده^۱: پرسشنامه عملکرد خانواده پرسشنامه‌ای ۶۰ سؤالی است که برای سنجیدن عملکرد خانواده توسط بیشاپ، اپستین، و بالدوین^۲ (۱۹۸۰) بر مبنای الگوی مک مستر تدوین شده است. الگوی مک مستر برای عملکرد خانواده، شش بعد را در نظر دارد: حل مسئله، ارتباط، نقشها، پاسخدهی عاطفی، آمیزش عاطفی، کنترل رفتار و یک بعد عمومی به نام کارکرد کلی. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت و نمره‌های کمتر، نشاندهنده آسیب کمتر و بهبود عملکرد خانواده است. در پژوهش ملک خسروی (۱۳۸۲: ۱۰۱) بین خرده مقیاسهای پرسشنامه آلفای ۰/۵۱ تا ۰/۹۴ به دست آمد که نشانه اعتبار درونی نسبتاً خوب آن است. هم‌چنین بین تمام خرده مقیاسها و کارکرد کلی خانواده همبستگی ۰/۴۷ تا ۰/۹۷ به دست آمد. در پژوهش زاده محمدی و ملک خسروی (۱۳۸۵) آلفای کرونباخ بعد کارکرد کلی ۰/۸۲ بعد آمیختگی عاطفی ۰/۷۳ بعد نقشها ۰/۷۶ بعد ارتباط ۰/۷۰ بعد حل مسئله ۰/۷۲ و بعد کنترل ۰/۶۶ و کارکرد کلی و همه ابعاد ۰/۹۴ گزارش شده است.

در پژوهش فعلی میزان آلفای کرونباخ ابعاد عملکرد خانواده با نمونه اولی ۵۰ نفری بین دانش آموزان به ترتیب بعد ارتباط ۰/۸۱ بعد آمیختگی عاطفی ۰/۷۴ بعد ایفای نقش ۰/۶۷ بعد حل مشکل ۰/۷۸ بعد همراهی عاطفی ۰/۸۴ بعد کنترل رفتار ۰/۸۶ و عملکرد کلی ۰/۷۵ به دست آمده

است.

پرسشنامه هوش اخلاقی^۱: پرسشنامه هوش اخلاقی در سال ۲۰۰۵ توسط لینک و کیل^۲ و در قالب ۴۰ سؤال، چهار بعد کلی ارائه شد. این سؤالات به صورت مساوی بین ده بعد زیر مجموعه هوش اخلاقی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، پاسخگویی، خودکنترلی و خودمحدودسازی، خدمت به دیگران، مهربانی، رفتار شهروندی و درک نیازهای روحی خود تقسیم شده است و هر شایستگی ۴ سؤال دارد؛ هم‌چنین این ده شایستگی به چهار دسته کلی تحت عنوان ابعاد کلی هوش اخلاقی شامل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی تقسیم می‌شود. پاسخ دهندگان به هر سؤال، روی طیف پنج درجه‌ای لیکرت (از تمام اوقات - ۵ تا هرگز - ۰) پاسخ می‌دهند. روایی و پایایی پرسشنامه در پژوهشهای گذشته از جمله پژوهش بهرامی و همکاران (۱۳۹۱) بررسی و تأیید شده است.

در پژوهش فعلی میزان الفای کرونباخ ابعاد هوش اخلاقی با نمونه اولی ۵۰ نفری بین دانش‌آموزان، بعد انسجام ۰/۷۲، صداقت ۰/۷۹، شجاعت ۰/۶۴، رازداری ۰/۸۱، پاسخگویی ۰/۶۹، خودکنترلی ۰/۷۱، خدمت به دیگران ۰/۸۵، مهربانی ۰/۸۳، رفتار شهروندی ۰/۷۴ و درک نیازهای روحی خود ۰/۷۰ به دست آمد.

پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکاری: این پرسشنامه با هدف سنجش نگرش نسبت به رفتارهای بزهکارانه توسط فضلی (۱۳۸۹) برای مشخص کردن نگرش مثبت و منفی به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان تهیه شده است که ۲۸ ماده دارد و بر اساس لیکرت چهار عاملی نمره‌گذاری می‌شود. به‌منظور اطمینان از پایایی و روایی پرسشنامه، عبارات و طیف مورد استفاده برای پاسخ به افراد صاحب‌نظر در زمینه موضوع مورد مطالعه (استادان رشته‌های روانشناسی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی) ارائه و بر اعتبار آن صحه گذاشته شد (فضلی، ۱۳۸۹).

در پژوهش سعادت و خدایاری (۱۳۹۱) این پرسشنامه به صورت پایلوت در مورد ۲۰۰ نفر از نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال مدارس دولتی شهر تهران انجام گرفت و با استفاده از روش آلفای کرونباخ میزان پایایی برای نگرش مثبت به رفتارهای بزهکارانه ۰/۷۱ و برای نگرش منفی به رفتارهای بزهکارانه ۰/۷۷ به دست آمد.

در پژوهش فعلی میزان الفای کرونباخ ابعاد نگرش به بزهکاری با نمونه اولی ۵۰ نفری بین

1 - Intelligence Moral questionnaire (MCI)

2 - Lennick & Kiel

دانش آموزان برای نگرش منفی به رفتارهای بزهکاری ۰/۷۶ و نگرش مثبت به رفتارهای بزهکاری ۰/۸۱ به دست آمده است.

یافته‌ها

برای بررسی هدف اصلی پژوهش مبنی بر تاثیر عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی بر گرایش به بزهکاری نوجوانان از روش همبستگی و رگرسیون استفاده شد که در ادامه نتایج آن ذکر می‌گردد.

جدول ۱: داده‌های توصیفی و ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های عملکرد خانواده و هوش اخلاقی با گرایش مثبت و منفی به بزهکاری

متغیرها	عملکرد خانواده	ارتباط	آمیختگی عاطفی	ایفای نقش	حل مشکل	همراهی عاطفی	کنترل رفتار	عملکرد کلی	گرایش مثبت به بزهکاری	گرایش منفی به بزهکاری	میانگین	انحراف معیار
هوش اخلاقی	۰/۴۱ ^{°°}	۰/۳۵ ^{°°}	۰/۶۶ ^{°°}	۰/۴۵ ^{°°}	۰/۵۸ ^{°°}	۰/۶۳ ^{°°}	۰/۳۵ ^{°°}	۰/۵۶ ^{°°}	۰/۴۶ ^{°°}	۰/۳۷ ^{°°}	۳/۹۷	۰/۵۱
انسجام	۰/۵۲ ^{°°}	۰/۱۱	۰/۱۷	۰/۲۶	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۴۳ ^{°°}	۰/۱۸	۰/۷۵ ^{°°}	۰/۴۳ ^{°°}	۳/۳۵	۰/۷۷
صداقت	۰/۳۹ ^{°°}	۰/۱۶	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۱۶	۰/۳۶ ^{°°}	۰/۳۷ ^{°°}	۰/۳۹ ^{°°}	۳/۴۴	۱/۰۶
شجاعت	۰/۴۵ ^{°°}	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۲۶	۰/۰۵	۰/۱۲	۰/۵۷ ^{°°}	۰/۵۲ ^{°°}	۴/۷۱	۰/۹۱
رازداری	۰/۶۵ ^{°°}	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۱۱	۰/۴۸ ^{°°}	۰/۳۶ ^{°°}	۳/۵۹	۰/۱۸
پاسخگویی	۰/۷۱ ^{°°}	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۲۱	۰/۳۲	۰/۵۵ ^{°°}	۰/۴۲ ^{°°}	۴/۶۶	۰/۳۲
خودکنترلی	۰/۴۰ ^{°°}	۰/۲۷	۰/۱۴	۰/۳۵ ^{°°}	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۳۵ ^{°°}	۰/۶۱ ^{°°}	۴/۰۳	۰/۵۶
خدمت به دیگران	۰/۵۶ ^{°°}	۰/۰۲	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۱۶	۰/۵۸ ^{°°}	۰/۴۳ ^{°°}	۳/۳۹	۰/۴۷
مهربانی	۰/۶۱ ^{°°}	۰/۰۸	۰/۱۹	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۴۹ ^{°°}	۰/۵۴ ^{°°}	۴/۵۱	۰/۳۸
رفتار شهروندی	۰/۶۸ ^{°°}	۰/۱۷	۰/۰۶	۰/۱۷	۰/۰۱	۰/۳۸ ^{°°}	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۶۸ ^{°°}	۰/۶۵ ^{°°}	۴/۶۷	۰/۱۳
درک نیازهای روحی خود	۰/۵۶ ^{°°}	۰/۳۲	۰/۲۳	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۲۳	۰/۳۵ ^{°°}	۰/۳۹ ^{°°}	۳/۳۶	۰/۱۹
گرایش مثبت به بزهکاری	۰/۴۷ ^{°°}	۰/۵۱ ^{°°}	۰/۶۲ ^{°°}	۰/۴۱ ^{°°}	۰/۵۳ ^{°°}	۰/۳۷ ^{°°}	۰/۴۹ ^{°°}	۰/۴۲ ^{°°}	۱	۰/۵۹ ^{°°}	۲/۱۶	۰/۱۱
گرایش منفی به بزهکاری	۰/۶۲ ^{°°}	۰/۳۸ ^{°°}	۰/۳۹ ^{°°}	۰/۴۲ ^{°°}	۰/۶۴ ^{°°}	۰/۴۲ ^{°°}	۰/۵۹ ^{°°}	۰/۲۹ ^{°°}	۰/۴۷ ^{°°}	۱	۳/۴۵	۰/۲۳
میانگین	۳/۱۲	۳/۰۱	۳/۲۵	۲/۸۳	۳/۶۱	۳/۱۹	۳/۳۷	۲/۶۶	۲/۱۶	۳/۴۵	---	---
انحراف معیار	۰/۵۹	۰/۵۱	۰/۴۳	۰/۴۶	۰/۳۱	۰/۴۸	۰/۵۳	۰/۴۵	۰/۱۱	۰/۲۳	---	---

** P < ۰/۰۱

بر اساس نتایج جدول ۱ در سطح معناداری ۰/۰۵ بین عملکرد خانواده و تمام مؤلفه‌های آن با گرایش مثبت و منفی به بزهکاری و بین هوش اخلاقی و تمام مؤلفه‌های آن با گرایش مثبت و منفی به بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد. به‌منظور اینکه هر کدام از ابعاد هوش اخلاقی و عملکرد خانواده تا چه اندازه امکان پیش‌بینی متغیر گرایش مثبت و گرایش منفی به بزهکاری را دارد از رگرسیون سلسله مراتبی به روش گام به گام استفاده شده است.

به‌منظور بررسی فرضیات پژوهش از آزمون رگرسیون خطی چندگانه بهره گرفته شده است. آزمون رگرسیون به سه پیش فرض عادی بودن متغیرها، استقلال خطاها و عدم هم‌خطی منوط است که در صورت عدم برقراری هر یک از مفروضات نمی‌توان از رگرسیون استفاده کرد؛ لذا برای این منظور، استقلال خطاها با آزمون دوربین - واتسون، هم‌خطی با شاخص تورم واریانس ($VIF < 2$) و نیز عادی بودن توزیع داده‌ها با آزمون کلموگروف - اسمیرنف بررسی شد. چون مقدار آماره وایف برای تمام متغیرها در دامنه $1/2 - 1/8$ بود، پیش فرض عدم هم‌خطی متغیرهای توضیحی برای الگوی رگرسیونی برقرار است. مقدار آماره دوربین - واتسون نیز برای هر کدام از الگوها در جدول ۳ ذکر شده است. نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنف نیز در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: نتایج بررسی عادی بودن متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره کلموگروف - اسمیرنف	متغیرها
عادی است.	۰/۱۲۳	۰/۹۱۱	هوش اخلاقی
عادی است.	۰/۷۰۱	۰/۲۳۱	انسجام
عادی است.	۰/۵۱۷	۰/۴۳۷	صداقت
عادی است.	۰/۱۶۴	۰/۸۵۶	شجاعت
عادی است.	۰/۶۹۲	۰/۲۷۲	رازداری
عادی است.	۰/۹۰۶	۰/۰۲۶	پاسخگویی
عادی است.	۰/۸۲۲	۰/۱۶۶	خود کنترلی
عادی است.	۰/۴۹۳	۰/۵۲۳	خدمت به دیگران
عادی است.	۰/۲۳۲	۰/۷۷۶	مهربانی
عادی است.	۰/۴۰۶	۰/۵۹۲	رفتار شهروندی
عادی است.	۰/۳۸۸	۰/۶۲۴	درک نیازهای روحی خود
عادی است.	۰/۲۶۱	۰/۷۱۱	گرایش مثبت به بزهکاری
عادی است.	۰/۵۱۹	۰/۴۳۵	گرایش منفی به بزهکاری
عادی است.	۰/۱۷۹	۰/۸۲۳	ارتباط
عادی است.	۰/۵۰۶	۰/۴۴۷	آمیختگی عاطفی
عادی است.	۰/۴۵۳	۰/۵۵۹	ایفای نقش
عادی است.	۰/۰۹۷	۰/۹۲۲	حل مشکل
عادی است.	۰/۳۹۳	۰/۶۱۶	همراهی عاطفی
عادی است.	۰/۶۹۸	۰/۲۷۹	کنترل رفتار
عادی است.	۰/۴۴۲	۰/۴۸۷	عملکرد کلی
عادی است.	۰/۴۱۳	۰/۵۱۶	عملکرد خانواده

بر اساس نتایج جدول ۲ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ سطح معنی‌داری محاسبه شده برای تمام متغیرها از ۰/۰۵ بزرگتر و عادی است.

جدول ۳: نتایج برآورد الگو برای پیش‌بینی گرایش مثبت و گرایش منفی نسبت به بزهکاری توسط ابعاد هوش اخلاقی و عملکرد خانواده

متغیرها		متغیر وابسته: گرایش مثبت به بزهکاری				متغیر وابسته: گرایش منفی به بزهکاری				
		ضریب	ضریب بتا	آماره t	P-value	ضریب	ضریب بتا	آماره t	P-value	
هوش اخلاقی	مقدار ثابت	-۰/۴۱	-	-۶/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۳۵	-	۶/۸۱	۰/۰۰۰	
	انسجام	-۰/۶۸	-۰/۴۹	-۹/۶۷	۰/۰۰۵	۰/۵۱	۰/۴۲	۷/۰۲	۰/۰۰۵	
	صداقت	-۰/۷۲	-۰/۵۱	-۱۰/۸۲	۰/۰۰۰	۰/۶۵	۰/۵۵	۹/۶۸	۰/۰۰۰	
	شجاعت	-۰/۷۸	-۰/۵۵	-۱۱/۴۴	۰/۰۰۰	۰/۶۸	۰/۵۷	۱۰/۷۲	۰/۰۰۰	
	رازداری	-۰/۵۱	-۰/۴۳	-۸/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۸۳	۰/۷۰	۱۵/۳۹	۰/۰۰۰	
	پاسخگویی	-۰/۴۹	-۰/۴۰	-۷/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۷۶	۰/۶۱	۱۲/۴۷	۰/۰۰۰	
	خود کنترلی	-۰/۴۴	-۰/۳۷	-۶/۶۹	۰/۰۰۳	۰/۶۴	۰/۵۵	۸/۲۸	۰/۰۰۰	
	خدمت به دیگران	-۰/۷۷	-۰/۵۶	-۱۲/۳۶	۰/۰۰۱	۰/۵۹	۰/۴۷	۷/۶۴	۰/۰۰۱	
	مهربانی	-۰/۷۳	-۰/۵۱	-۱۰/۶۵	۰/۰۰۸	۰/۳۶	۰/۴۱	۶/۹۳	۰/۰۰۸	
	رفتار شهروندی	-۰/۶۲	-۰/۴۷	-۸/۸۳	۰/۰۰۰	۰/۷۹	۰/۶۴	۱۳/۲۸	۰/۰۰۰	
	درک نیازهای روحی خود	-۰/۳۹	-۰/۲۹	-۳/۳	۰/۰۱۲	۰/۵۹	۰/۴۶	۷/۳۱	۰/۰۰۲	
	عملکرد خانواده	ارتباط	۰/۳۲	۰/۲۶	۸/۷۲	۰/۰۰۸	-۰/۲۰	-۰/۱۶	-۴/۴۵	۰/۰۰۰
		آمیختگی عاطفی	۰/۲۶	۰/۱۷	۱۴/۳۳	۰/۰۰۰	-۰/۳۴	-۰/۳۱	-۶/۲۹	۰/۰۰۰
		ایفای نقش	۰/۳۳	۰/۲۹	۸/۸۳	۰/۰۰۱	-۰/۲۶	-۰/۲۰	-۴/۹۳	۰/۰۰۲
حل مشکل		۰/۳۰	۰/۲۱	۱۱/۲۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۹	-۰/۲۳	-۱۶/۱۲	۰/۰۰۰	
همراهی عاطفی		۰/۳۵	۰/۲۷	۹/۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۳۳	-۰/۲۴	-۲/۸۷	۰/۰۰۴	
کنترل رفتار		۰/۲۸	۰/۱۹	۷/۶۱	۰/۰۰۵	-۰/۳۱	-۰/۲۷	-۵/۹۱	۰/۰۰۰	
عملکرد کلی		۰/۲۴	۰/۱۸	۶/۴۵	۰/۰۱۱	-۰/۳۲	-۰/۱۹	-۶/۴۸	۰/۰۰۰	
آماره F				۹۱/۳۷			۸۹/۳۲			
P-value			۰/۰۰			۰/۰۰				
R2			۰/۴۱			۰/۵۸				
R2 تعدیل شده			۰/۴۲			۰/۵۹				
دوربین - واتسون			۱/۸۹			۱/۹۱				

**P<0/05

بر اساس جدول ۳ در گرایش مثبت سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره F برابر ۰/۰۰۰ بوده است که نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰/۹۵٪ دارد. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین - واتسون در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می توان استقلال باقیمانده ها را نتیجه گرفت. با توجه به شاخصهایی که عنوان شد الگو از کفایت لازم برخوردار است. هم چنین ضریب بتای انسجام (۰/۴۹-)، صداقت (۰/۵۱-)، شجاعت (۰/۵۵-)، رازداری (۰/۴۳-)، پاسخگویی (۰/۴۰-)، خودکنترلی و خودمحدودسازی (۰/۳۷-)، خدمت به دیگران (۰/۵۶-)، مهربانی (۰/۵۱-)، رفتار شهروندی (۰/۴۷-) و درک نیازهای روحی خود (۰/۲۹-) و ضریب بتای ارتباط (۰/۴۷)، آمیختگی عاطفی (۰/۶۹)، ایفای نقش (۰/۴۹)، حل مشکل (۰/۵۷)، همراهی عاطفی (۰/۵۱)، کنترل رفتار (۰/۴۱) و عملکرد کلی (۰/۳۹) و در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. بر اساس نتایج، ضریب تعیین برای متغیر وابسته گرایش مثبت به بزهکاری برابر با ۰/۴۱ است و این مقدار نشان می دهد که ۰/۴۱ درصد تغییرات گرایش مثبت به بزهکاری به وسیله تغییرات اصول ارزشها، راستگویی، استقامت بر حق، وفای به عهد، مسئولیت پذیری، اقرار به اشتباه، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، اهمیت دادن به دیگران، توانایی بخشش اشتباهات خود، توانایی بخشش اشتباهات دیگران، ارتباط، آمیختگی عاطفی، ایفای نقش، حل مشکل، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی توضیح داده می شود. در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی نیز این متغیرها قادر به تبیین ۴۱ درصد واریانس گرایش مثبت به بزهکاری است.

هم چنین در گرایش منفی سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره F برابر ۰/۰۰۰ است که نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰/۹۵٪ دارد. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می توان استقلال باقیمانده ها را نتیجه گرفت. با توجه به شاخصهایی که عنوان شد الگو از کفایت لازم برخوردار است. هم چنین ضریب بتای انسجام (۰/۴۲)، صداقت (۰/۵۵)، شجاعت (۰/۵۷)، رازداری (۰/۷۰)، پاسخگویی (۰/۶۱)، خودکنترلی و خودمحدودسازی (۰/۵۵)، خدمت به دیگران (۰/۴۷)، مهربانی (۰/۴۱)، رفتار شهروندی (۰/۶۴)، درک نیازهای روحی خود (۰/۴۶) و ضریب بتای ارتباط (۰/۴۹-)، آمیختگی عاطفی (۰/۶۱-)، ایفای نقش (۰/۴۴-)، حل مشکل (۰/۷۳-)، همراهی عاطفی (۰/۴۳-)، کنترل رفتار (۰/۴۶-) و عملکرد کلی (۰/۶۴-) و در سطح ۹۵ درصد معنی دار است. بر اساس نتایج، ضریب تعیین برای متغیر وابسته گرایش منفی به بزهکاری برابر با ۰/۵۸ است که این مقدار نشان می دهد که ۰/۵۸ درصد تغییرات گرایش منفی به بزهکاری به وسیله تغییرات اصول ارزشها،

راستگویی، استقامت بر حق، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری، اقرار به اشتباه، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، اهمیت دادن به دیگران، توانایی بخشش اشتباهات خود، توانایی بخشش اشتباهات دیگران، ارتباط، آمیختگی عاطفی، ایفای نقش، حل مشکل، همراهی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی توضیح داده می‌شود. در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی نیز این متغیرها قادر به تبیین ۵۸ درصد واریانس گرایش منفی به بزهکاری است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش با هدف بررسی نقش عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی در گرایش به بزه نوجوانان انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که هر دو متغیر عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی در گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری تأثیر معناداری دارد. نتیجه پژوهش بخوبی نشان داد که خانواده به عنوان اولین و مهمترین نهاد اجتماعی که فرد، بخش اعظم اوقات خویش را در آن سپری می‌کند در شکل‌گیری و تداوم رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان تأثیر معناداری دارد که این نتیجه با نتایج پژوهشهای النصیر و الفلیح (۲۰۱۶)، عبدالکردی و همکاران (۲۰۱۲)، بیرچهد (۲۰۱۲)، فارینگتون (۲۰۱۱)، فاگان (۲۰۱۳)، گونزیکلی و کویان (۲۰۱۲)، ایراوانی و همکاران (۲۰۱۳)، پراکاش‌ورپس (۲۰۱۳) و صاحب‌دل و اسدی (۱۳۹۳) همخوانی دارد که در پژوهشهای خویش از اثربخشی ابعاد مختلف سامانه خانواده بویژه بعد عملکردی حاکم بر خانواده بر گرایش کودکان و نوجوانان به سمت بزهکاری خبر می‌دهند. در تبیین نتیجه می‌توان گفت، خانواده اصلی‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی است که بیشترین تأثیر را بر ابعاد شخصیتی و وجودی کودک می‌گذارد؛ لذا هرگونه نقص در ابعاد مختلف تربیتی و عملکردی آن می‌تواند در شکل‌دهی به رفتارهای بزهکارانه و گرایش کودک و نوجوان به سمت بزهکاری تأثیر زیادی داشته باشد؛ همان‌گونه که پژوهشهای مختلف نشان می‌دهد؛ لذا بدیهی است که این پژوهش نیز این عامل را به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر بزهکاری نوجوانان پیش‌بینی و شناسایی کرده است. هوش اخلاقی و توانایی فرد در تشخیص درست از نادرست و عمل کردن مطابق هنجارهای اخلاقی - اجتماعی عامل دیگری است که در این پژوهش مشخص شد که نبود و یا خلل در آن، گرایش کودکان و نوجوانان به سمت بزهکاری را آسان می‌سازد و وجود آن در بازداری از گرایش به سمت بزهکاری تأثیر بسیار زیاد و معناداری دارد. این نتیجه با نتایج پژوهشهای چنگ و

چنگ (۲۰۱۵)؛ چنگ (۲۰۱۴) و هاردی و همکاران (۲۰۱۴)، که در پژوهشهای خویش از اثربخشی هوش اخلاقی در گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری گزارش می‌دهد همخوانی دارد. در تبیین این نتیجه نیز می‌توان گفت که هوش اخلاقی به عنوان نیروی پویایی درونی، دربرگیرنده ابعاد و عناصر مختلفی نظیر توانایی تشخیص درد و رنج دیگران و مهار بی‌رحمی خود، کنترل وسوسه و غرایز ویران‌کننده خود، گوش دادن محترمانه و عدم قضاوت بر اساس پیشداوریها، پذیرش تفاوت‌های انسانی و داشتن نگرش انسان‌گرایانه، خودداری رفتار غیر اخلاقی، توانایی درک دیگران و همدلی با آنها، نپذیرفتن بی‌عدالتی برای خود و دیگران است که زمینه شکل‌گیری انسان سالم را از لحاظ فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد و گرایش کودکان و نوجوانان به سمت رفتارهای بزهکارانه و نابهنجار را کاهش می‌دهد. این پژوهش نیز مانند دیگر پژوهشها با محدودیتهایی روبه‌رو بود؛ از جمله زیاد بودن حجم سؤالات پرسشنامه‌ها، همکاری نکردن بسیاری از نوجوانان در پاسخدهی به پرسشنامه‌ها و صداقت در پاسخدهی به سؤالات و تمایل افراد برای پاسخدهی هنجار. به‌طور کلی پژوهش به بررسی نقش عملکردهای خانوادگی و هوش اخلاقی در گرایش نوجوانان به سمت بزهکاری پرداخت. یافته‌ها نشان داد که هر دو در گرایش نوجوانان به سمت رفتارهای بزهکارانه عامل تأثیر معناداری دارد. این یافته‌ها از یک سو چند بُعدی بودن عوامل تأثیرگذار بر گرایش به سمت بزهکاری و تأثیر ابعاد درون‌فردی (هوش اخلاقی) و بین فردی (خانواده و ابعاد عملکردی آن) و از سوی دیگر تاحدی با شناسایی این یافته‌ها زمینه کافی برای تدوین و به‌کارگیری برنامه‌های پیشگیرانه و درمانی در زمینه بزهکاری کودکان و نوجوانان را فراهم کرده است.

منابع

- بوربا، میشل (۲۰۰۹). کلیدهای پرورش هوش اخلاقی در کودکان و نوجوانان. ترجمه فرناز فرود (۱۳۹۴). تهران: کتاب‌های دانه.
- بهرامی، محمدمین؛ اصمی، مریم؛ فاتح پناه، آزاده؛ دهقانی تفتی، عارفه؛ احمدی تهرانی، غلامرضا (۱۳۹۱). سطح هوش اخلاقی اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. اخلاق و تاریخ پزشکی. شماره ۶: ۸۱ تا ۹۵.
- خالقی، نرگس؛ چناری، مهین (۱۳۹۴). رابطه هوش اخلاقی با نועدوستی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. شماره ۴: ۵۵ تا ۶۴.

زاده محمدی، علی؛ ملک خسروی، غفار (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی ویژگیهای روان‌سنجی و اعتباریابی مقیاس سنجش کارکرد خانواده (FAD). خانواده پژوهی. شماره ۵: ۶۹ تا ۸۹.

سعادت، سجاد؛ خدایاری سقاواز، هانیه (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین راهبردهای مقابله‌ای و گرایش به بزهکاری. همایش ملی پیشگیری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی. دانشگاه بابلسر.

صاحب‌دل، حسین؛ اسدی، مسعود (۱۳۹۳). تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی به مادران بر کاهش رفتارهای پرخطر فرزندان معتاد. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره. شماره ۳: ۵۶ تا ۸۲.

فضلی، وحید (۱۳۸۹). بررسی رابطه شیوه‌های تربیتی والدین و نگرش به رفتارهای بزهکارانه در بین نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهر تهران. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۵: ۷۹ تا ۱۱۲.

ملک خسروی، غفار (۱۳۸۲). کارکرد خانواده در کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی، کمبود توجه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

- Ahrens, K. R., & Ciechanowski, P. 2012. Associations between adult attachment style and health risk behaviors in adult female primary care population. *Journal of Psychosomatic Research* 72 (5): 364-370.
- Alboukurdy, S., Mohamadnazari, A., Noury, R., & Khodadadisangdeh, J. 2012. Predictive Factors for Juvenile Delinquency: The Role of Family Structure, Parental Monitoring and Delinquent Peers. *International Journal of Criminology and Sociological Theory* 5 (1): 770-777.
- Alnasir, F. A., & Alfalij, A. A. 2016. Factors Affecting Juvenile Delinquency in Bahrain. *Journal of General Practice*, 12 (1): 32-60.
- Birkhead, T. R. 2012. Delinquent by Reason of Poverty. *Journal of Law & Policy* 38 (1): 53-107.
- Bishop, D. S. Epestine, N.B. & Baldwin, L. M. 1980. Structuring a family assessment. *Canadian Family Physician*, 26: 1534-1537.
- Cheng, Ch. K. 2014. The predictive effects of self-esteem, moral self, and moral reasoning on delinquent behaviors of Hong Kong young people. *International Journal of Criminology and Sociology* 3 (1): 133-145.
- Cheng, P. O., & Cheng, H. K. 2015. Effects of moral self, self-esteem and parental bonding on delinquency among young people in Hong Kong. *International Journal of Criminology and Sociology*, 4 (1): 119-127.
- Fagan, A. A. 2013. Family-focused interventions to prevent juvenile delinquency. *Journal of Criminology Ana Public Police* 12 (1): 312-332.
- Farrington, D. P. 2011. Family influences on delinquency. (Eds). (pp. 203–222). Sudbury, MA: Jones & Barlett Publishers.
- Gunezicle, T., & Coban, S. 2012. A study on the effects of family and delinquent peers on juvenile delinquency in turkey. *Advances in Applied Sociology* 2 (1): 66-72.
- Hardy, S. A., Walker, L. J., Olsen, J. A., Woodbury, R. D., & Hickman, J. R. (2014). Moral identity as moral ideal self-link to adolescent outcomes. *Developmental Psychology* 50(1): 45-57.
- Iravani, M., Salimi, S., Fakhramini, A., Shahmoradi, G., Eskandari, Z & Dadashi, M. 2013. A social work study on family related issues influencing juvenile delinquency. *Management Science Letters* 3(7), 2085-2088.
- Knoll, C., & Sickmund, M. 2012. *Delinquency cases in juvenile court*, Washington, DC: U.S. Department of Justice.

- Lennick, D., & Kiel, F. Linking. 2005. Strong moral principles to business success. Pennsylvania: Wharton School of the University of Pennsylvania.
- Panich, W. 2013. Family and personality factors in juvenile delinquency. M.A Thesis in Psychology, University of Canterbury.
- Park, A. B. 2013. The Effects of Family Structure on Juvenile Delinquency. M.A thesis in Arts in Criminal Justice and Criminology, East Tennessee State University.
- Posnka, S. 2012. Comparison of social protection with high-risk behavior juvenile offenders and non-offenders. *Journal of Psychiatry* 6 (1): 55 – 70.
- Prakashaveripeth, D. 2013. Contributing factors of juvenile delinquency. *International Journal of Innovative Research and Development* 2 (2): 8-16.
- Pryor-Kowalski, M. 2013. Learning disabilities, juvenile delinquency and the family: the role of “intensive parenting. *Journal of Sociology* 17 (1): 21-41.
- Sahmay, K. 2013. A Study on Factors Underlying Juvenile Delinquency and Positive Youth Development Programs. A Dissertation Master of Arts in Development Studies, Odisha, India.
- Sharma, A. (2012). Correlates of juvenile delinquency: The role of family environment and self-esteem, *Journal of Social Science* 4 (1): 773-777.
- Sphone, R., & Kurtz, D. L. 2011. Family structure as a social context for family conflict: unjust strain and serious delinquency. *Journal of Criminal Justice Review* 36 (3): 332–356.
- Stoltz, S., van Londen, M., Dekovic, M., Prinzie, P., de Castro, B. O., & Lochman, J. E. 2013. Simultaneously testing parenting and social cognitions in children at-risk for aggressive behavior problems: Sex differences and ethnic similarities. *Journal of Child and Family Studies* 22(7): 922-931.